

خوابنامه‌نویسی در زبان و ادب فارسی (سیری در مهمترین خوابنامه‌های فارسی)

مختار کمیلی*

چکیده

خواب یا رؤیا پدیده‌ای عمومی است که از دیرباز مورد توجه آدمی بوده است. در این پدیده، غالباً مفاهیم و پیامها به زبانی سمبلیک و نمادین ظاهر می‌شود و به همین سبب، درک آنها، به تحلیل و رمزگردانی نیاز دارد. تحلیل و رمزگردانی رویاها که در فرهنگ ما بدان «تعبیر خواب» اطلاق می‌شود، در آثاری که بدانها «خوابنامه» یا «تعبیرالرویا» می‌گویند؛ ثبت شده است. در زبان فارسی، پیشینه این خوابنامه‌ها که از لحاظ شکل و قالب، به خوابنامه‌های منظوم و منثور تقسیم می‌شوند و تحت تأثیر خوابنامه‌های عربی اند، به سده ششم ق. می‌رسد. کهن‌ترین خوابنامه منظوم فارسی از سنایی (مندرج در حدیقه الحقیقه) و دیرینه‌ترین خوابنامه منثور فارسی، ظاهراً، کتاب «خوابگزاری» از مؤلفی یا مترجمی ناشناخته است که در سده ششم ترجمه یا تألیف شده است. کامل‌ترین تعبیر حبیش تفلیسی، مشهورترین خوابنامه منثور فارسی است که با وجود احتوای آن بر فواید زبانی، تا امروز چاپ مصححی از آن صورت نگرفته است. «تعبیر سلطانی» از قاضی اسماعیل

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر رفسنجان Mokhtar.komaily@gmail.com

تاریخ پذیرش ۸۷/۱۲/۲۴

تاریخ وصول ۸۷/۸/۱۳

ابرقوهی که در عصر و شهر حافظ تألیف شده، کاملترین و پرفایده‌ترین خوابنامه منشور فارسی است که تاکنون به حلیه طبع آراسته نشده است. در این خوابنامه، پاره‌ای از تعابیر منظوم خرگوشی، که از اصل آن اطلاعی در دست نیست، نقل شده است. هدف این جستار، بررسی و معرفی این خوابنامه‌ها و پاره‌ای از خوابنامه‌های دیگر فارسی و بیان فواید زبانی، ادبی و اجتماعی آنهاست.

واژه های کلیدی

۱. خوابنامه‌های منظوم ۲. تعبیر سلطانی ۳. کامل‌التعبیر ۴. خوابنامه‌های عربی ۵. فواید زبانی خوابنامه‌ها ۶. فواید ادبی و اجتماعی خوابنامه‌ها.

۱- مقدمه

یکی از پدیده‌های رازناکی که آدمی از دیرباز درباره آن اندیشیده، خواب یا رؤیا است. به زعم اکثر صاحب نظران گذشته و حال، صورتی که انسان در حالت خواب می‌بیند، بدون مفهوم و پیام نیست؛ اما پی بردن بدان مفاهیم و پیامها، به واکاوی و تحلیل نمادهای رؤیا نیاز دارد؛ چه رؤیا به زبان خاص خود که زبان رمز و نمادست، آموزه‌ها و پیام‌های خود را ارائه می‌دهد. در تلمود^۱ (Talmud)، بصراحت به ضرورت تحلیل نمادهای رؤیا اشاره شده است. در این متن آمده است: «رؤیایی که تعبیر نشود، مثل نامه‌ای است که خواننده نشود.» (فروم، ۱۳۸۴، ۹۴)

دیرینگی تحلیل و تعبیر رؤیا به روزگاران بس کهن می‌رسد. ابن خلدون معتقد است که تعبیر خواب همیشه در نوع آدمی وجود داشته است؛ چه خواب دیدن همیشه وجود داشته است. (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۹۹۲)

گرچه در دیرینگی خوابگزاری، تردیدی نیست؛ اما راجع به تألیف و تدوین نخستین خوابنامه‌ها؛ یعنی آثاری که حاوی معانی و آموزه‌های نمادهای رؤیایند، به طور قطع و یقین نمی‌توان سخن گفت. «شاید کهن‌ترین رساله خوابگزاری از آن مصر باشد که تاریخ آن به

دو هزار سال قبل از میلاد می‌رسد.» (کیا، ۱۳۷۸: ۷)

در ایران باستان نیز خوابگزاری رایج بوده است؛ گرچه از این دوران خوابنامه‌ای به دست ما نرسیده است. «در ایران باستان مخصوصاً به خواب توجه بسیار نشان می‌داده‌اند. اگر روایات یونانی در باب خواب اژدهاک، کوروش و خشایارشا، درست و مطابق واقع نیز نباشد؛ از آنها می‌توان دانست که اعتقاد به خواب و تعبیر رؤیا در آن روزگاران تا چه حد و پایه بوده است.» (زرین کوب، ۱۳۵۱: ۲۶۰)

در ایران دوره اسلامی نیز چون دوره باستان، خوابگزاری ارجمند و متداول بوده است؛ چه اسلام بر حقایق رؤیا و تعبیر آن مهر تأیید زده و در قرآن نمونه‌ای از تعبیر خواب، در سوره حضرت یوسف (ع) آمده است. در این دوره، بسیاری از اندیشمندان ایرانی چون ابن سینا، غزالی، سهروردی و... پیرامون رؤیا و تعبیر آن در طی رسالات خود یا در آثار مفرد و مستقل، به بحث پرداخته و نویسندگانی چون حبیب‌الله تفسیری و قاضی اسماعیل ابرقوهی و مجلسی و... خوابنامه‌هایی تألیف کرده‌اند.

پیشینه خوابنامه نویسی فارسی، ظاهراً به سده ششم هجری می‌رسد و از آن تاریخ به بعد، خوابنامه‌های متعددی به زبان فارسی و در قالبهای نظم و نثر، تألیف یا ترجمه شده است. این خوابنامه‌ها که تعداد آنها در خور اعتناست و متأسفانه مورد بی‌مهری پژوهشگران ما قرار گرفته‌اند، به جز فواید تعبیری، از جنبه‌های مختلف زبانی، ادبی، اجتماعی و مردم‌شناسی نیز شایان توجه و بررسی‌اند.

نگارنده در جستار حاضر، به طور فشرده به معرفی و تحلیل مهمترین خوابنامه‌های منشور و منظوم فارسی می‌پردازد. این پژوهش بر بنیاد شیوه و روش سند پژوهی و کتابخانه‌ای انجام گرفته و در مواردی که خوابنامه‌ای اصلاً به حلیه طبع آراسته نشده یا چاپ مصححی ندارد؛ به نسخه خطی آن ارجاع داده شده است.

۲- انواع خوابنامه‌های فارسی

بسیاری از موضوعات، از ضبط معانی واژگان گرفته تا مباحث ژرف عرفان و حکمت، در زبان و ادب فارسی به دو صورت منظوم و منشور توصیف و شرح شده‌اند. تعبیر رؤیا نیز از

این قاعده مستثنی نیست و در زبان و ادب فارسی می توان خوابنامه‌ها را از جهت شکل و قالب به دو نوع خوابنامه‌های منثور و منظوم تقسیم کرد.

۱-۲ خوابنامه‌های منثور فارسی

در زبان و ادب فارسی ضبط تعابیر رؤیا پیشینه‌ای بس کهن دارد و به جز خوابنامه‌ها در بسیاری از متون، از جمله در تذکره‌ها، سفرنامه‌ها، عجایب نامه‌ها، داستانها، مقامات، مجموع رسائل، تاریخ‌ها و حیات حیوان‌ها کمابیش به مناسبت‌هایی، رؤیاهایی ضبط و تعبیر شده‌اند. گردآوری و طبقه‌بندی و تحلیل و تفسیر این رؤیاها و کارکرد آنها، به مجاللی فراخ نیاز دارد و در حوصله یک مقاله نمی‌گنجد. از اینرو در اینجا برای نمونه به نقل چند رؤیا و تعبیر آنها از کتبی که موضوع آنها ارتباطی با خوابگزاری ندارد، بسنده می‌شود. در نوروژ نامه منسوب به عمر خیام، رؤیای اسکندر و تعبیر ارسطو از آن چنین آمده است: «گویند اسکندر رومی پیش از آنکه گرد جهان بگشت خوابهای گوناگون دید... یکی آن بود که جمله جهان یکی انگشتی شدی و به انگشت وی اندر آمدی؛ لیکن او را نگین نبود. چون از ارسطاطالیس پرسید، گفت: این جهان همه ملوک تو گردد و تو را بس از آن برخوردار نبود چه انگشتی ولایت است و نگین سلطانی وی (خیام، ۱۳۵۷: ۳۸)

رؤیاهایی از این دست که به قدرت رسیدن کسی را بشارت می‌دهند در متون تاریخی ما، نظایری دارد که از جمله آنها، رؤیای سبکتگین در تاریخ بیهقی (بیهقی، ۱۳۷۰: ۲۰۲) و رؤیای نادرشاه در جهانگشای نادری است. (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۶۸)

در ادب داستانی ما نیز کم و بیش تعابیر نمادهای رؤیا به مناسبت‌هایی آمده است، از جمله در داراب نامه طرسوسی دیدن دسته گل در خواب به دختر (طرسوسی، ۱۳۷۴: ۱۴۲) و دیدن پیل به انسان بزرگ (همان: ۱۳۰) و دیدن ازدها به سلطان بیگانه (همان: ۱۴۲) تعبیر شده‌اند. به جز اینگونه رؤیاها که به صورت پراکنده، در دل متون کهن فارسی ضبط شده‌اند، در زبان فارسی، آثار دایره‌المعارف گونه‌ای وجود دارد که مقالت و بخشی از آن به تعبیر رؤیا اختصاص یافته است. چون این آثار در بررسی سیر خوابنامه نویسی در زبان فارسی اهمیت دارند؛ از این رو به معرفی و بررسی کوتاه پاره‌ای از آنها می‌پردازیم.

۱-۱-۲: خوابنامه‌های مندرج در دایرة المعارف گونه‌های فارسی

۱-۱-۱-۲ خوابنامه مندرج در نزهت نامه علایی: نزهت نامه علایی، یکی از کهن‌ترین نوشته‌های منثور فارسی و مقالت یازدهم آن «اند تعبیر رؤیا»، دیرینه‌ترین خوابنامه منشور فارسی به شمار می‌آید. به نظر محمدتقی بهار، شهردان بن ابی‌الخیر این اثر را در سال ۴۷۷ (بهار، ۱۳۶۹: ۵۲) و به زعم ذبیح‌الله صفا بعد از سال ۴۸۸ و «بنابر بعضی قرائن بین سالهای ۵۰۶ و ۵۱۳» تألیف کرده است. (صفا، ۱۳۷۱: ۹۰۹)

ساختار این خوابنامه چون خوابنامه‌های دیگر است؛ باب نخست به مبادی و مبانی تعبیر رؤیا و بابهای دیگر (باب دوم تا سیزدهم) به تعابیر نمادهای رؤیا بر اساس موضوع اختصاص یافته است؛ مثلاً، باب دهم، اندر آلات خانه و کار فرمای، مخصوص تعبیر رؤیت اشیایی چون آینه، شانه، ناخن پیرای، شمع و چراغ، کار، طبق، کوزه و... است. مؤلف قید نکرده که تعابیرش را از چه مأخذی برداشته است؛ اما گمانی نیست که از یک متن یا خوابنامه عربی بهره برده است؛ چه حضور فرهنگ عربی بخوبی در آن مشهود است، مثلاً رؤیت انگور سیاه در خواب به «بیماری و اندوه» گزارش شده است که در تعبیر الرؤیای ابن سیرین ذیل «الغنب الاسود» نیز همین تعبیر آمده است و منشأ و وجه تعبیر آن ظاهراً داستان نوح و نفرین او بر پسرش حام بوده است «گفته‌اند آنجا که حام بن نوح بوده است، میوه‌ها همه سیاه بوده‌اند و اصل انگور سیاه هم آنجا بوده است و به همین سبب علمای تعبیر اندر کتابها ایدون گویند که هر کی انگور سیاه به خواب بیند او را غم رسد و اندوه... از دعای پیغامبری از پیغامبران خدای». (یغمایی، ۱۳۴۰: ۷۳۷)

بسامد جملات شرطی که در خوابنامه‌های دیگر بسیار است، در این خوابنامه اندک است و مؤلف غالباً به شیوه کتب لغت، تعبیر هر نمادی را در برابر آن ضبط کرده است: «درخت: مرد باشد و میوه: منفعت و مال و درخت شکستن: بیماری و سبزی: جمال و نیکویی».

این خوابنامه به سبب اختصارش، فواید زبانی و اجتماعی چندانی ندارد. ضبط معنی «بگریز» برای واژه «توریج» از واژه‌های محلی مردم ری آن روزگاران، از فواید زبانی این کتاب محسوب می‌شود.

۲-۱-۱-۲- خوابنامه مندرج در بحر الفوائد: کتاب دایرة المعارف گونه بحر الفوائد که مؤلفش تا امروز ناشناخته مانده، از آثار سده ششم هـ ق است. به نظر شفیع کدکنی « بحر الفوائد یک متن قدیمی در قرن ششم است که بر اساس منابعی کهن غالباً از قرن چهارم و پنجم شکل گرفته است و در نیمه دوم قرن ششم ظاهراً تألیف شده است و در سرزمین شام برای یکی از پادشاهان آن ناحیه.» (عطار، ۱۳۸۳: ۱۶۴)

در این اثر، بخشی با عنوان: «کتاب تعبیر الرؤیا» مشتمل بر هشت باب، به رؤیا و تعبیر آن اختصاص یافته است. در باب نخست «در پیدا کردن خوابها» چند رؤیای عجیب نقل شده که پاره‌ای از آنها در مقاله پایانی نزهت نامه (مقاله چهاردهم) و در یواقیت العلوم هم آمده است و این نشان می‌دهد که در آن روزگاران، ضبط و نقل چنین رؤیاهایی با اقبال روبه‌رو بوده است.

مؤلف در باب‌های دیگر، رؤیت «اعضای آدمی»، «زن خواستن»، «درختها و نباتات» و «اسب و استر» را در خواب، تعبیر کرده که این عنوانها در نزهت نامه علایی هم آمده است و نشان دهنده اهمیت این موضوعات در سده ششم است.

در باب پایانی، در خوابهای رفتگان، رؤیاهای صوفیانه نقل شده است. این رؤیاها در آثار متصوفه چون رساله قشیریه (۱۳۷۹: ۷۱۷، ۷۰۹، ۷۱۴، ۷۱۶) نیز دیده می‌شود و گویای آن است که مؤلف بحر الفوائد با آثار صوفیه مانوس بوده است.

۲-۱-۱-۳- خوابنامه‌های دیگر: به جز نزهت نامه و بحر الفوائد، دایرة المعارف گونه‌های فارسی دیگری هم هست که مقاله یا بخشی از آنها به موضوع تعبیر خواب اختصاص دارد، مانند: یواقیت العلوم، نفایس الفنون و بستان السیاحه (در معرفی شهرها). چون بررسی خوابنامه‌های مندرج در این آثار، که فواید ادبی و لغوی اندکی دارند، باعث طویل کلام خواهد شد، از تحلیل آنها چشم‌پوشی می‌کنیم.

۲-۱-۲- خوابنامه‌های منشور مستقل فارسی

در میان آثار منشور فارسی، کتابهای مفردی دیده می‌شود که از سر تا بن، در موضوع خواب و رؤیا و خوابگزاری است. پیشینه تألیف در این موضوع را بر اساس نسخه‌های

بازمانده فارسی می‌توان به سده ششم رساند. پیش از این سده، نگارش تعبیر الرؤیاهای عربی یا ترجمه خوابنامه‌های سریانی به عربی، آغاز شده بوده است و شاید خوابنامه‌های فارسی از آن‌ها متأثر شده باشند.

مطالعه و واکاوی و پژوهش خوابنامه‌های فارسی، اهمیت شایانی دارد؛ چه از واکاوی این دسته از آثار فارسی، اطلاعات ارزشمندی در زمینه‌های زبانی، ادبی، مردم‌شناختی و..... که شاید جای دیگری یافت نشود، به دست می‌آید. مهم‌ترین خوابنامه‌های منشور فارسی عبارتند از: خوابگزاری، التحیر فی علم التعمیر، کامل التعمیر و تعبیر سلطانی که بررسی و تحلیل می‌شوند.

۱-۲-۱- خوابگزاری: یکی از دیرینه‌ترین و ارزشمندترین متون فارسی، کتاب «خوابگزاری» از مترجمی ناشناخته است. ایرج افشار، مصحح این کتاب، در مقدمه کتاب می‌نویسد که این کتاب پیش از خوابنامه مشهور کامل التعمیر از حبیش تفلیسی (متوفی ۶۰۰ هـ ق) نگارش یافته و «مسلماً برای تحقیقات لغوی و تجسس در تاریخ عقاید و آراء عامه از مراجع قدیم و مدارک اساسی تواند و خواهد بود.» (افشار، مقدمه، ۱۳۴۶: ۵)

کتاب «خوابگزاری» چنانکه مصحح در مقدمه کتاب مرقوم فرموده است، ترجمه است و نه تألیف. مهم‌ترین دلیل برای ترجمه بودن این اثر که در آن مدخل‌ها یا نمادها بر اساس حروف تهجی تنظیم و تدوین شده‌اند، آن است که ذیل هر حرفی از حروف الفبا، نمادها یا مدخل‌ها همگی به زبان عربی‌اند. مثلاً در حرف میم (کتاب المیم)، نمادهایی چون المقلّاة، المسک، المزراق و... تعبیر شده‌اند، مسلم است که اگر کتاب در اصل به زبان فارسی نگاشته می‌شد، در این باب، واژگان فارسی که حرف نخست آنها میم است، ضبط می‌شد، بدین ترتیب اگر خواننده‌ای بخواهد، تعبیر رؤیت مرغ خانگی را در این اثر بیابد، باید به کلمه دجاج که در کتاب الدال، ضبط شده رجوع کند، نه به واژه مرغ خانگی.

بنابراین «خوابگزاری» افزون بر فایده‌های تعبیری، اجتماعی و مردم‌شناختی، ارزش زبانی و ترجمه‌ای بسیار دارد و در شمار منابعی است که در پژوهش‌های مربوط به ترجمه به زبان فارسی در سده ششم مورد استفاده واقعی شود.

به نظر نگارنده این سطور، مترجم کتاب، سعی داشته است کتاب را به فارسی سره برگرداند و این مربوط به پسند روزگار یا منطقه جغرافیایی و محل زیست مترجم است و شاید هم تربیت و ذوق و دیدگاه وی، او را به گزینش چنین شیوه ای در بازگردان اثری تازی به فارسی، برانگیخته است. برای نمونه به نقل عباراتی که به تعبیر دیدن خرگوش در خواب اختصاص دارد، می پردازد. در این عبارات به جز واژه «ارنب» همه واژه های دیگر فارسی اند: «رؤیت الارنب - خرگوش اندر خواب زنی بود بدمهر، با آنک هیچ سود و زیان اندرو نبود. پس اگر ببند که کسی خرگوش یافت، زنی برین گونه بیابد. اگر ببند که از گوشت یا پوست او بیافت، نیکی بود، اندک که از زنی چنین که یاد کردیم بیابد. اگر ببند که بچه ای از وی بیافت، دختری بیابد که اندرو نیکی نبود.» (ص ۷۶-۷۷)

در این کتاب حتی، کنیه ها و واژه های عربی ای که در روزگار مترجم، (ظاهراً قرن ششم) به صورت عربی، کم و بیش، متداول بوده، به زبان فارسی ترجمه شده اند. پسر سیرین به جای ابن سیرین، شرمگینی (ص ۱۶۲) به جای حیا، بدرود کرد (ص ۴۰۰) به جای وداع کرد، تُک (ص ۳۸۴) به جای منقار، اگر ایزد تعالی خواهد (ص ۴۵) به جای ان شاء الله، کاریز (ص ۱۴۶) به جای قنات، خشمناکی (ص ۲۹۴) به جای غضب، گنده (ص ۱۴۶) به جای خندق، پشت به خدای بازهشتن (ص ۵) به جای توکل به خدا کردن، اندر دل کردن (ص ۲۰) به جای قصد و نیت است.

کتاب «خوابگزاری» از جنبه بررسی تحولات واجی واژه های فارسی و مطالعه گونه های زبان فارسی نیز حائز کمال اهمیت است. پاره ای از واژه های این کتاب که در این گونه بررسی ها و مطالعات، می توانند مورد نظر باشند، عبارتند از: شنبد (ص ۳۸)، هاموار (ص ۳۸)، بیران (۷۹)، دشخوار (۴۵)، دُشنگی (۲۲)، هنبان (۱۲۷)، فام (۱۲۹)، کلیسیا (۳۹۲)، نگفتیدیت (۴۷)، بودیتیان (۴۷)، بودیت (۴۷)

این خوابنامه گنجینه ارزشمندی از واژه ها و ترکیبات کهن فارسی است که پاره ای از آنها احتمالاً در فرهنگهای لغت ضبط نشده اند. پاره ای از این الفاظ عبارتند از: آزادی (به معنای سپاس) (ص ۱۵۳)، گست (۸۵)، گش (۲۱)، کوزبان (۲۶)، آهک

کردن (۳۹۰) انگشت (۵۹) فرو دمیدن بینی (۸۱)، با پس پشت افکندن (۸۶)، سر از چیزی شستن (۱۲۹)، ویش (۱۵۵)

از جنبه مطالعه و بررسی فرهنگ عامه نیز کتاب « خوابگزاری » سرشار از فواید است. از مطالعه این اثر می‌توان به معماری گرمابه‌های کهن پی برد که دارای سه خانه بوده‌اند (ص ۱۴۸). همچنین می‌توان به پیشینه این باور عامیانه که خوردن پنیر و ترشی فراموشی می‌آورد، رسید؛ چه در این خوابنامه آمده است که « هر کس که خواهد این علم بیاموزد و حفظ کند باید از خوردن پنیر و پیاز و آنچ بدین ماند احتراز کند. » (ص ۳۶). با مطالعه این اثر می‌توان دانست که در آن اعصار، پشه‌های رایج عبارت بوده‌اند از: بریان کن (۲۶۹)، حلوا کن (۲۶۰)، لگام کن، ارزیرکن، آبگینه کن (۲۶۱)، شمشیر کن (۲۵۶) (ظاهراً تکواژ « کن » چون « گر » دلالت بر پشه داشته است). بساط و گلیم و خزفروش (۲۶۱)، مروارید فروش، تره فروش و...

۲-۱-۲-۲ التحییر فی علم التعبیر: یکی دیگر از خوابنامه‌های مشهور کهن فارسی « التحییر فی علم التعبیر » است که به تصحیح ایرج افشار به چاپ رسیده است.

فخر رازی به جز این کتاب، در جامع العلوم نیز بخشی را به دانش خوابگزاری اختصاص داده که نشان دهنده علاقه وی به مباحث و مسائل خوابگزاری است. متأسفانه از کتاب التحییر جز نسخه‌ای که قسمت اعظم آن افتاده و همین را استاد ایرج افشار به چاپ رسانده است، نسخه دیگری به یادگار نمانده است. از این رو راجع به فواید لغوی و غیر لغوی این خوابنامه نمی‌توان چندان سخن گفت و «از لحاظ واجد بودن بعضی از لغات کم استعمال و نیز دقایق دستوری و انشایی فواید محدودی در بر دارد.» (رازی، ۱۳۵۴: ۱۵). از جمله لغات کم استعمال این متن واژه‌ها و ترکیبات: «هشده» (ص ۱۴۱)، «روی فرا کردن» (ص ۱۰۱)، «روی فا کردن» (ص ۱۰۱، ۸۷)، «فرو ریزیدن» (۱۴۸)، «و استه = هسته» (ص ۱۳۵) است.

بر پایه همین نسخه ناقص می‌توان گفت که ساختار این خوابنامه، مانند خوابنامه‌های دیگر است؛ یعنی کتاب در دو قسم تدوین شده بوده است: قسم اول در اصول تعبیر خواب

و قسم دوم در فروع آن. در قسم اخیر رمزشناسی نمادهای رؤیاهای، بر اساس موضوع آمده و چنانچه در نسخه ناقص کتاب می بینیم، موضوع باب سی و چهارم آن « تأویل لباسها و فرشها » و موضوع باب چهل و هفتم « تأویل درختان » بوده است.

مؤلف التبحیر ظاهراً به تعبیر الرؤیای عربی نظر داشته است؛ چه تعبیر «دَهَن» را ذیل «فم» و تعبیر «لب» را ذیل «شفه» تعبیر «آتشدان» را ذیل «الکانون» و تعبیر «جراغ پای» را ذیل «المناره» و... آورده است.

وی همچنین در توضیح این قاعده رایج در علم التبعیر که گاه رؤیاهایی با توجه به امثال، تعبیر می شوند به نقل امثال عربی متعددی می پردازد: مثلاً، «... و مثال آن باشد که دیدن صائغ؛ یعنی زرگر اندر خواب دلالت بر مرد دروغ زن [کند] از بهر آنکه در مثال عرب مشهور است که گویند: «فلان یصوغ الکذب» و مثال آن باشد که دیدن هیمه فروش اندر خواب دلالت کند بر مردی سخن چین؛ زیرا که در مثل عرب چون کسی سخن چینی کند گویند: «فلان یحطب علی فلان.» (ص ۳۶)

علاوه بر این، عبارتی که فخر رازی در «دیدن زن اندر خواب» می نویسد، می تواند نشان دهنده توجه وی در تالیف «التبحیر» به تعبیر الرؤیاهای عربی باشد، آنجا که می نویسد: «بدان که بهترین خواب ها که در دیدن زن باشد آن بود که زن عربی باشد اسمر فربه.» (ص ۱۰۱)

۳-۲-۱-۲ کامل التبعیر: یکی از دانشمندان سده هشتم ه. ق حبیش تفلیسی است که آثار متعددی به زبان های فارسی و تازی در موضوعات مختلفی چون لغت، طب و نجوم تالیف و ترجمه کرده است.

استاد ایرج افشار در مقدمه «بیان الصناعات»، از آثار فارسی حبیش که در مجله «فرهنگ ایران زمین» چاپ شده، آثار حبیش را معرفی کرده است. از جمله ی آثار معرفی شده در این مقدمه، «اصول الملاحم» یا «ملحمه دانیال» است که حبیش آن را در موضوع اخترشناسی، پس از کتاب، «قانون الادب» از عربی به فارسی ترجمه کرده است. حبیش در مقدمه «ملحمه دانیال» می نویسد:

«چنین گوید حکیم کمال الدین جمال الاسلام ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد

التفلیسی که چون از کتاب قانون الادب برداشتم بر حسب طاقت و قدر دانش خویش، این کتاب را از کتاب های تازی تالیف کردم و جمع آوردم.» (افشار، ۱۳۸۵: ۲۹۱)

از دیگر آثار حبیب، کامل التعبیر است که مشهورترین خوابنامه منثور فارسی به شمار می آید و متأسفانه تا امروز تصحیح انتقادی نشده و چاپ های بسیار آن به گفته ایرج افشار: «همه بسیار مغلوط و اغلب ملخص است.» (افشار، ۱۳۴۲: ۸)

سید عبدالله موسوی، کامل التعبیر را در سال ۱۳۶۹ به نثر ساده برگردانده و مقدمه نسبتاً مبسوطی در معرفی و بررسی بعضی از مصادری که حبیب در تالیف کامل التعبیر از آنها بهره برده، نوشته است. وی درباره برگرداندن نثر کتاب کامل التعبیر می نویسد: «با یاری گرفتن از چندین نسخه چاپی مختلف به برگرداندن نثر و ضمن آن تصحیح و توضیح اغلاط و مجملات آن پرداختم؛ اما جز در مواردی بسیار ناچیز و چند نکته که با معارف حقه شیعه اثنی عشری مابینت دارد، از اصل آن چیزی نکاستم و بر آن نیفزودم و...» (تفلیسی، مقدمه، ۱۳۶۹: ۵)

حبیب تفلیسی در تألیف این خوابنامه بر آن بوده که کتابی جامع و کامل در زمینه خوابگزاری به زبان فارسی بنویسد؛ از این رو برای رفع این کمبود «کامل التعبیر» را نوشت و آن را به ابوالفتح قلج ارسلان بن مسعود تقدیم کرد.

حبیب در این خوابنامه، تعابیر نمادهای رؤیا را از منابع و مآخذی که پاره‌ای از آنها عبارتند از: اصول دانیال حکیم، تقسیم جعفر صادق (ع)، جوامع ابن سیرین، دستور ابراهیم کرمانی و... أخذ کرد و آن را بر اساس حروف الفبا تدوین کرده وی می نویسد:

«از گزین کلام این کتابهای نفیس که یاد کرده شد، به ترتیب تأویل هر خوابی را به نسق حرف اول و حرف دوم و سوم، مشروح در این کتاب یاد کردم و نامش کامل التعبیر نهادم (نسخه خطی برگ ۱).

کامل التعبیر به جز فواید تعبیری، فواید زبانی و مردم شناختی دارد. از فواید زبانی آن، توضیح پاره‌ای از واژگان فارسی، از جمله نام گیاهان و پرندگان و... است که بسیار ممتع است؛ برای نمونه، به شرحی که وی در باب گیاهان در عبارات زیر می دهد، توجه فرمایید:

«گاوزوان: بدانک گاوزوان گونه ای هم از نبات زمین بود و بلگهای وی درشت باشد(برگ ۲۵۱)»

«پیل گوش: بدانک پیل گوش نباتی بود که برگهای وی سخت بزرگ باشد و شکوفه زرد دارد. (برگ ۵۴)»

«ترخون:.... اصل وی سپند است که سپند را به سرکه تیز بیاغارند و روزگاری رها کنند تا طبع و طعم وی از حال بگردد بعد آن، وی را بکارند چون برآمد ترخون باشد.» (۵۶)

کامل التعبير گنجینه‌ای سرشار از واژگان و ترکیبات زیبای فارسی است که پاره‌ای از آنها در فرهنگهای لغت ضبط نشده اند؛ مثلاً، «کمانه آسمان» به معنی قوس قرح یا رنگین کمان در عبارت زیر:

«این سیرین گوید؛ اگر کسی به خواب بیند که کمانه آسمان به گونه زرد بود؛ دلیل کند بر بیماری... و اگر بیند که کمانه آسمان سرخ باشد دلیل کند...» (۱۶۵)

از دیگر فوائد زبانی کامل التعبير، آوردن مترادف عربی پاره‌ای از واژگان فارسی و بر عکس و همچنین ضبط گویش متداول آنها در منطقه خراسان سده ششم است که حقیقتاً برای محققان و بویژه پژوهندگان تاریخ زبان فارسی غنیمت بزرگی است:

«ثولول: بدانک ثولول به پارسی گندمه خوانند و به خراسان از خش گویند.»

«معصره: بدانک معصره به تازی تاوه بزرگ بود که در وی انگور پالایند و او مانند حوض باشد و در خراسان وی را چرخشت خوانند.» (برگ ۱۸۶)

«ورشان: بدانک ورشان به تازی مرغی بود که به خراسان وی را کیوتر بناخوانند.»

(برگ ۱۹۷)

«کشف: بدانک کشف به پارسی سنگ پشته بود و گُسو نیز گویند.» (برگ ۱۶۰)

ضبط گویش خراسانی در این کتاب توسط نویسنده‌ای از اهل تفلیس نشان دهنده این حقیقت است که در سده‌های پنجم و ششم، اهل فضل مناطق دیگر ایران، بویژه آذربایجان و نواحی اطراف آن، به فارسی دری یا فارسی منطقه خراسان علاقه و توجه خاصی داشته‌اند. چنانکه قطران تبریزی مشکلات لغوی خود از ناصر خسرو قبادیانی می‌پرسیده است.

سخن آخر درباره کامل‌التعبیر آنکه انشای آن، ساده و به دور از تکلفات نثر فنی است و این در روزگارانی که تألیف کتب به شیوه کلیله و دمنه، متداول می‌شده، در نگاهداشت فارسی ساده، اهمیت بسزایی داشته است.

۴-۲-۱-۲ تعبیر سلطانی: تعبیر سلطانی جامع‌ترین و پرفایده‌ترین خوابنامه فارسی است که متأسفانه تا امروز به چاپ نرسیده است. نویسندگان این خوابنامه، قاضی اسماعیل بن نظام‌الملک ابرقوهی است که در سده هشتم هـ.ق می‌زیسته و معاصر حافظ، بوده است. وی تعبیر سلطانی را به سال ۷۶۳ تألیف و به شاه شجاع مظفری و وزیرش حاجی قوام‌الدین تقدیم کرده است.

تعبیر سلطانی گنجینه ارزشمندی از واژگان فارسی است و می‌تواند در پژوهش‌های زبانی و بویژه به سبب تألیف آن در عصر و در شهر حافظ، در پژوهش‌های حافظ‌شناختی مورد استفاده قرار گیرد. از جمله واژه‌هایی که در این خوابنامه به کار رفته و می‌تواند در شرح بی‌تی از حافظ مدد رسان باشد، واژه «شرطه» است. علامه قزوینی در شرح بیت:

«کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز / باشد که باز بینیم دیدار آشنا را»

مرقوم فرموده که باد شرطه به معنای باد موافق است و «تا آنجا که... عجاله در خاطر دارم دو مرتبه، در اشعار سعدی و یک مرتبه در شعر حافظ: کشتی شکستگانیم الخ استعمال شده و فعلاً در هیچ مأخذ دیگری از نظم و نثر فارسی به یاد ندارم دیده باشم.» (حافظ، ۱۳۷۴: ۴۲۰)

ظاهراً علامه فقید، تعبیر سلطانی را ندیده است: «ارطامیدورس می‌گوید: اگر در کشتی یا در بیرون کشتی ببیند که کشتی به باد شرطه به آسانی می‌رفت و هیچ اضطرابی نداشت، دلالت بر خیر عام و خیر خوش کند.» (برگ ۳۲۲)

تعبیر سلطانی به جز فواید زبانی، از جنبه ادبی نیز فوایدی دارد. در این خوابنامه به جز ابیاتی که از منظومه خرگوشی (که به آن خواهیم پرداخت) نقل شده و بدین وسیله از خطر نابودی رسته‌اند، چند بیت از گلستان و بوستان سعدی نقل گردیده که سند شهرت سعدی در دهه‌های پس از مرگ اوست، گرچه می‌دانیم که آوازه شیخ شیراز و شعر دلنشینی به روزگار حیاتش می‌رسد. یکی از گلستانی‌های سعدی که ابرقوهی دوبار بدون ذکر نام

شاعر، بدان استشهاد کرده، این بیت است:

میان دوتن جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیزم کش است

(برگ ۲۳۶، ۴۱۰)

از لحاظ سبکی، تعبیر سلطانی در قیاس با کامل التعبیر به سبک فنی نزدیک تر شده است؛ چه در این اثر، درصد واژه های تازی افزونی گرفته و امثال و ایبات عربی و فارسی که جهت تزین سخن در کلام آورده می شده اند، در اثنای کتاب و بویژه در دیباچه حضور در خور توجهی دارند. در مورد درصد واژگان عربی این کتاب نسبت به کتاب خوابگزاری و کامل التعبیر حبیش، عبارات زیر را که هر سه در تعبیر «آهو» آمده اند، مقایسه می کنیم:

«آهو: کرمانی می گوید اگر ببیند که آهوپی را فرا گرفت، دلیل کند که کنیزکی خوب روی وی را حاصل شود و اگر ببیند کی گلوی آهو را ببرید، دلیل کند که دوشیزگی کنیزکی ببرد.» (تفلیسی برگ ۲۴)

رؤیة الطبی اندر دیدن آهو اگر ببیند که آهوپی بگرفت، کنیزک پاکیزه بیابد. اگر ببیند کی آهو بکشد، کنیزکی را دوشیزگی ببرد.» (خوابگزاری: ۱۳۴۶: ۲۷۶)

آهو: به تاویل زن جمیله یا کنیزک صاحب جمال باشد و بریدن حلقش، دلالت بر ازالت بکارت یکی از ایشان کند و... و از اینجا گفته اند:

هر که ببیند به خواب در آهو منفعت یابد از زنان نکو

(ابرقوهی: برگ ۵۴)

از مقایسه این سه عبارات می توان به این نتیجه کلی مقبول سبک شناسان رسید که در تاریخ زبان فارسی، هر چه به سده های متأخر نزدیک می شویم، درصد واژه های دخیل عربی افزایش یافته است. در خوابگزاری به جز واژه مدخل (رؤیة الطبی) هیچ واژه عربی دیده نمی شود؛ اما در کامل التعبیر، دو واژه عربی «دلیل» و «حاصل»، آمده است. در تعبیر سلطانی تعداد واژه های عربی افزونی یافته است. در عبارت تعبیر سلطانی به جای ترکیب

فارسی «کنیزک خوب روی»، «کنیزک صاحب جمال» به جای «بریدن گلو»، «بریدن حلق» و به جای «بردن دوشیزگی»، «ازالت بکارت» آمده است.

۳-۱-۲- ویژگی های خوابنامه‌های منثور فارسی

۳-۱-۳-۱- تأثیر پذیری از خوابنامه‌ها و خوابگزاری عربی

پس از آنکه حکومت ساسانی به دست اعراب مسلمان به پایان آمد و مردم ایران آیین جدید را پذیرفتند، به مرور زمان اندیشه‌ها و آموزه‌های این آیین و فرهنگ و زبان عربی در فرهنگ و زبان و علوم ایران باستان و از جمله در قلمرو خوابگزاری راه یافت. در میان اعراب به سبب سابقه درازدانی که تعبیررؤیا در میان اعراب جاهلی داشت و آن را از افتخارات و از علوم اساسی خود می‌شمردند. (شهرستانی، ۱۳۵۰: ۴۳۵) و به سبب تأیید اسلام، تألیف و ترجمه آثار در زمینه تعبیر رؤیا در سده های آغازین هجری شروع شد. این آثار در سده‌های بعد در خوابنامه نویسی فارسی تأثیر بسیاری نهادند، به گونه‌ای که بیشتر مطالب آنها در خوابنامه‌های فارسی نقل گردید. از این رو ضروری است که در این جا به معرفی مهم‌ترین خوابنامه‌های تصنیف یا ترجمه شده به عربی به طور خلاصه بپردازیم.

۱-۳-۱-۲- تعبیر الرؤیای ابن سیرین: یکی از مشاهیر خوابگزاران اسلامی، محمد بن سیرین است که آثاری به او منتسب شده است. ابن ندیم ذیل کتابهای تألیف شده در تعبیر خواب، از تعبیر الرؤیای وی نام برده است. (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۵۶۰). در وفیات الاعیان بر چیرگی او در خوابگزاری تأکید شده است: «کانت له البید الطولی فی تعبیر الرؤیا» (ابن خلکان، ۱۴۱۷: ۳۲۰) در منابع فارسی نیز ابن سیرین آوازه‌ای درخور یافته است؛ امام فخر رازی او را امام این علم می‌داند. (رازی، ۱۳۵۴: ۳۳) و در تذکره الاولیاء بر پارسایی او اشاره شده است؛ در این کتاب از فضیل عیاض نقل شده که «هیچ آدمی را ندیدم در این امت امیدوارتر به خدای تعالی و ترسناک‌تر از ابن سیرین». (عطار، ۱۳۷۱: ۹۷). در ترجمه رساله قشیریه این سخن به «کسی از این مردمان» نسبت داده شده است. (قشیری، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

تعبیر ابن سیرین و قواعدی که وی برای خوابگزاری در آثار خود، که از آنها با عناوین

تفسیر الاحلام، کتاب الجوامع یاد می کنند، بیان کرده در بیشتر خوابنامه‌های فارسی تأثیر بسیار زیاد به جای نهاده است و کمتر خوابنامه فارسی دیده می‌شود که تعابیر وی را نقل نکرده باشد. تفلّیسی، خوابنامه نویس مشهور فارسی، ابن سیرین را « اندر این علم (خوابگزاری) امام و یگانه » دانسته است. (ص ۱۰) و در کامل‌التعبیر خود، مکرراً تعابیر او را نقل می‌کند.

۲-۱-۳-۱-۲: تعبیر الرؤیای ارطامیدورس: یکی از کتبی که در خوابنامه‌های فارسی تأثیر گذاشته است تعبیر الرؤیای ارطامیدورس است که در اصل به زبان سریانی بوده و حنین ابن اسحاق (۱۴۹ - ۲۶۹ هـ.ق) آن را به عربی برگردانده است و در میان خوابگزاران ایرانی، قاضی اسماعیل بن نظام الملک ابرقوهی، بیش از خوابگزاران دیگر از این تعبیر الرؤیا بهره برده است. وی در مطاوی خوابنامه خود « تعبیر سلطانی » بارها و بارها از ارطامیدورس نام برده و به ترجمه تعابیر وی به فارسی، ظاهراً از روی ترجمه عربی آن پرداخته است. برای نمونه و مقایسه عباراتی از ترجمه عربی حنین بن اسحاق که قاضی ابرقوهی آنها را به فارسی برگردانده است، نقل می‌شود:

« اذا كانت الیدان صحیحین حسنین فإن ذلك يدل علی صلاح الاعمال » (ارطامیدورس، ۹: ۱۹۶۴)

« ارطامیدورس گوید چون هر دو دست را صحیح بیند، دلالت بر صحت اعمال کند. » (ابرقوهی، برگ ۱۸۷)

« و ینبغی ان یجعل الفم بمنزلة المنزل والاسنان بمنزلة سکن المنزل » (ارطامیدورس ۷۱: ۱۹۶۴)
 « و ارطامیدورس گوید: دهان به منزلت منزل است و دندان به منزلت سکن منزل. » (ابرقوهی: برگ ۱۹۲)

به جز قاضی ابرقوهی، دینوری نیز از نظریات و تعابیر ارطامیدورس بهره برده است. خجسته کیا می نویسد: « دینوری، خوابگزار پر آوازه عهد عباسی، بسیاری از نظریات «ارطامیدورس» را به وام گرفت و به تناسب باورهای دینی عصر خود، تغییراتی در آن به وجود آورد. » (کیا، ۱۳۷۸: ۱۱۹)

۳-۱-۳-۱-۲- کتاب دانیال: دانیال نبی (ع) از پیامبرانی است که چون حضرت یوسف (ع) به داشتن علم تعبیر رؤیا شهره است. اقوال وی در زمینه خوابگزاری و تعبیر و رمزگشایی‌های وی از نمادهای رؤیا، در کتابی به نام «کتاب دانیال» به زبان سریانی گردآوری و در روزگار عباسی به زبان عربی ترجمه شده است.

کتاب دانیال، یا بخش‌هایی از آن به فارسی هم ترجمه شده است. در کتاب «خوابگزاری»، بابی به نام «باب کتاب دانیال» وجود دارد که به زعم مترجم آن «کتاب دانیال اندر علم خواب» است. مترجم ناشناخته «خوابگزاری» راجع به اصل کتاب دانیال و مترجم آن از سریانی به عربی می‌نویسد: «خلیل اصفهانی گوید: مترجم این کتاب از سریانی به تازی که مهدی خلیفه بغداد خوابی دید و فراموش کرد،... وزیر خویش را گفت: خوابی دیدم و فراموش کردم،... اگر مردی را با دست توانی آوردن که این خواب مرا با دست آورد اگر به فال بود، دیگر نیک کرده باشی... وزیر گفت: یا امیرالمؤمنین خلیل اصفهانی خداوند ترجمه کتاب دانیال تواند» (خوابگزاری: ۳۸: ۱۳۴۶)

به جز کتاب «خوابگزاری» در خوابنامه‌های دیگر فارسی نیز کم و بیش تعبیری از دانیال نبی (ع) نقل شده است که از جمله آنها «کامل‌التعبیر» است. حبیش تفلیسی در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «از اقوال استادان این صناعت قول شش کس را اختیار کردم که هر یکی از ایشان در عصر خویش حکیمی و یگانه عصر بوده‌اند. اول قول دانیال حکیم که در روزگار بخت نصر بود...» (برگ ۱)

در تعبیر سلطانی نیز تعبیر بسیاری از دانیال نقل شده است.

البته خوابنامه‌های تألیف یا ترجمه شده به زبان عربی، منحصر بدین سه اثر نیست؛ بلکه شمار آنها به استناد به کتب فهرس از جمله الفهرست محمد بن اسحاق بن ندیم و کشف الظنون حاجی خلیفه بسیار زیاد است. از بررسی دو اثر از سه اثر معرفی شده در این نوشتار؛ یعنی تعبیر الرؤیای ارطامیدورس و کتاب دانیال که هر دو در اصل به زبان سریانی نوشته شده بودند و در عصر خلافت عباسی به زبان عربی ترجمه شده‌اند، می‌توان بدین نتیجه رسید که خوابگزاری عربی تا حدودی تحت نفوذ و تأثیر خوابگزاری سریانی بوده و

خوابنامه نویسی فارسی نیز ظاهراً غیر مستقیم از آنها متأثر شده است.

۲-۳-۱-۲- شباهت خوابنامه‌های فارسی

یکی دیگر از ویژگی‌های خوابنامه‌های فارسی، شباهت آنها به هم در ساختار و رمزگشایی از نمادهای رؤیاست؛ به عبارت دیگر رویکرد این آثار به پدیده رؤیا و تعبیر آن در طول سده‌ها، تغییر چشمگیری نداشته است. ساختار این آثار شبیه به هم است. بدین معنی که همه خوابنامه‌های منشور فارسی از دو بخش تشکیل شده‌اند: بخشی مربوط به مبادی و مبانی خوابگزاری است و بخشی مربوط به تعبیرنمادهای رؤیا که مطالب در هر دو قسمت در طول تاریخ زبان فارسی دری، ثابت و یکسان باقی مانده است. در تعبیر نمادهای رؤیا، به طور کلی دو ساخت وجود دارد: ژرف ساخت و روساخت. رؤیاها در ژرف ساختشان یا حاوی بشارتند یا دربر گیرنده انداز. به عبارت دیگر، پیام رؤیاها یا امید است یا بیم. بر بنیاد این ژرف ساخت، روساخت آنها بسیار متعدد است و امور فراوانی را در بر می‌گیرد. رؤیاهایی که ژرف ساخت آنها بشارت است، روساخت آنها ممکن است، یافتن ثروت، ارزانی قیمت‌ها، تزویج، برگشتن از مسافرت به سلامتی و... باشد. در مقابل، رؤیاهای با ژرف ساخت انداز، روساخت‌هایی مانند آمدن سپاه دشمن، مبتلا شدن به بیماری‌هایی چون طاعون و وبا، قحطی، وفات یکی از نزدیکان و... دارند. از لحاظ زبانی نیز خوابنامه‌های فارسی به هم شبیه‌اند. زبان خوابنامه‌های فارسی، ساده و غالباً به دور از الفاظ مهجور، در قیاس با نرم متداول در زمان تألیف است. بسامد جملات شرطی در آنها بیش از هر اثر دیگر است. فعل «بیند» یا «دید» در معنی «در خواب و رؤیا بیند» در اکثر آنها دیده می‌شود. از جنبه ادبی نیز این آثار به هم شباهت دارند؛ صور خیال در آنها وجود ندارد و آرایه‌های ادبی نیز در آنها نیامده است؛ مگر بندرت آن هم در مقدمه‌ها.

۲-۲- خوابنامه‌های منظوم فارسی

گستره پنهان‌ادب فارسی به جز مضامین لطیف شاعرانه، لغت، اخلاق، طب و خوابگزاری و... را در بر می‌گیرد. نظم آموزه‌های رؤیا و تعبیر آن در زبان فارسی، پیشینه‌ای به دیرینگی زبان فارسی دارد.

نظم تعابیر رؤیاهای را در ادب فارسی در سطوح مختلف بررسی می‌کنیم. گاه نظم تعبیری در یک دو بیت از قصیده یا غزل و مثنوی‌ای دیده می‌شود، گاه رمز شناسی رؤیاهای در بخشی از یک منظومه و گاه در رسالات مفردی آمده است.

۱-۲-۲- ضبط و تعبیر رؤیا در دو سه بیت: ضبط آموزه‌های مربوط به رؤیا و رمزگشایی از نمادهای آن، از دیرباز در ادب فارسی رایج بوده است.

خاقانی از شاعرانی است که از رؤیا و تعبیر آن در خلق و پرورش معانی منظور خود بهره برده است. وی در سوگ سرودی به رؤیای بد خود و تعبیر آن چنین اشاره می‌کند:

آتشی دیدم کو باغ مرا سوخت به خواب سر آن آتش و آن باغ بیر بگشاید
گر ندانید که تعبیر کنید آتش و باغ رمز تعبیر ز آیات و سور بگشاید
آری آتش اجل و باغ بیر فرزند است رفت فرزند شما زیور و زر بگشاید
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۵۹)

خاقانی در جاهای دیگر دیوانش نیز به رمزگشایی از نمادهای «خر»، «زر و سیم» و «عیش» پرداخته است:

بخت گویند که در خواب خر است من نه دنبال خری خواهم داشت
(همان، ۸۴)
سر خر کو به خواب در، بخت است دورتر دیده ام ز طالع خویش
(همان، ۸۹۱)
الوداع ای کعبه کانیک هفته ای در خدمتت عیش خوابی بوده و تعبیرش احزان آمده
(همان، ۳۷۲)
به خواب دایم جز سیم و زر نمی بینی بین که زر همه رنج است و سیم جمله عنا
(همان، ۱۲)

عطار در الهی نامه، چون خاقانی، البته مطابق با سنت خوابگزاری اسلامی، رؤیت خر در خواب را به بخت تعبیر کرده است:

خرت در گل ازان سخت اوفتادست که در تعبیر خر بخت اوفتادست
(عطار، ۱۹۴۰: ۲۴۷)

از شاعران دیگری که به تعبیر خواب توجه داشته، جامی است. وی در سلسله الذهب، یکی از مشهورترین تعابیر ابن سیرین را به نظم کشیده است:

دید در خواب صاحب خردی	که فم و فرج خلق مهر زدی
خواب خود را به ابن سیرین گفت	ابن سیرین جواب شیرین گفت
گفت ماه صیام قبل الفجر	گفته ای فجر را اذان بی اجر
بانگ بی وقت تو را ز اکل و جماع	گشته اهل محل را مناع
از تو آن منع چون مقرر شد	در خیالت چنین مصور شد

(جامی، ۱۳۷۸: ۱۸۱)

نقل ابیات حاوی تعابیر رؤیا از دیوان های شاعران از جمله نظامی، حافظ و... به درازا خواهد کشید. از این رو، در اینجا با نقل بیتی از صائب که بازگو کننده یکی از قواعد خوابگزاری است و آن قاعده این است که رؤیایی واحد، تحمل تعابیر مختلف را دارد، این بحث را به پایان می آوریم:

گفتگوی کفرو دین آخر به یکجا می کشد خواب یک خواب است و باشد مختلف تعیرها
(صائب، ۱۳۷۸)

۲-۲-۲- خوابنامه مندرج در حدیقة الحقیقه

سنایی در منظومه « حدیقة الحقیقه » در بخشی با عنوان « التمثیل فی الرؤیا و غیره » ابیاتی فراوانی را (۹۶ بیت) به رمز شناسی نمادهای رؤیا اختصاص داده است. مجموع این ابیات، کهن ترین خوابنامه منظوم فارسی قلمداد می شود: گرچه شاعران عنوان خوابنامه یا تعبیرالرؤیا بر آن ننهادند.

رؤیاهای این منظومه جز در آغاز، بر اساس موضوع و در ذیل عنوانهایی چون « فی الرؤیا الاثواب و الاوانی »، « فی الرؤیا الصناعین » و... منظوم شده اند و تعبیری که برای آنها آمده، با خوابگزاری ابن سیرین و حیث تفلیسی شباهت دارد؛ مثلاً، سنایی برای دیدن گوسفند در خواب تعبیر غنیمت و مال را آورده که با تعابیر خوابگزاران دیگر یکی است:

گوسفند بود غنیمت و مال اقتضا زان کند فراخی سال
(سنایی، ۱۳۷۴: ۱۲۱)

اهمیت خوابنامه مندرج در حدیقه آن است که وزن آن، فاعلاتن مفاعلهن، مقبول طبع بسیاری از خوابنامه سرایان قرار گرفته است و آن را در سرودن خوابنامه‌های خود به کار گرفته‌اند. از جمله این وزن در خوابنامه خرگوشی و خوابنامه حضرت یوسف (ع)، به کار رفته است.

۳-۲-۲- تعبیر نامج: یکی از خوابنامه‌های منظوم فارسی، تعبیر نامج بوده است. حاجی خلیفه راجع به این خوابنامه می‌نویسد: «تعبیر نامج منظوم فارسی لمولانا یحیی المعروف به فتاحی النیسابوری الشاعر متوفی فی سنه ۸۵۲ اوله: ای برون وصفت ز تعبیر کلام.» (حاجی خلیفه، ۱۸۴۵: ۳۱۳)

در حبیب السیر، شرح حال مختصری از سراینده تعبیر نامج آمده است. بنا به نوشته خواند میر «از جمله رسائل منظوم مولانا یحیی یکی تعبیر خواب است و آن را با این بیت افتتاح کرده که:

بیت: ای برون وصفت ز تعبیر کلام داور بیدار و حی لاینام
(خواند میر، بی تا: ۱۵)

تعبیر نامج تاکنون به حلیه طبع آراسته نشده و ظاهراً نسخه‌ای از آن برای ما به یادگار نمانده است.

۴-۲-۲- منظومه خرگوشی: یکی از خوابنامه‌های منظوم فارسی که پیش از سده هشتم سروده شده، منظومه خرگوشی است. از اصل این منظومه اطلاعی در دست نیست و آگاهی ما از وجود چنین منظومه‌ای به سبب یادکرد ابرقوهی از آن در تعبیر سلطانی است: «...منظومه نیز که از تعبیر خرگوشی مستخرج است در نظر بود و احیاناً یک دو بیت از آن به حسب اقتضای مقام کالمح فی الطعام تلفیق رفته و...» (برگ ۶)

ابرقوهی ابیات نسبتاً زیادی از این منظومه را در تعبیر سلطانی نقل کرده که غنیمت بزرگی برای ما است. با استناد بدین ابیات می‌توان گفت که منظومه خرگوشی خوابنامه مفصلی به زبان فارسی ساده بوده و سراینده آن، با اقوال ابن سیرین آشنایی داشته است؛ چه تعابیر این خوابگزار را در این منظومه به رشته نظم کشیده است. ابرقوهی در تعبیر رخسار و

رنگ رخسار، ایات زیر را از منظومه خرگوشی نقل کرده است:

مردی آمد به ابن سیرین گفت	که زنی شد به خواب با من جفت
مهربان طبع لیک روی سیاه	چهره اش تیره قامتش کوتاه
ابن سیرین جواب داد به مرد	که از این خواب گرد غصه مگرد
کان سیاهی به مال اوست دلیل	عمر وی گشت قامت از تأویل
تا نه بس همچنان شد کار	که زنش مرد و مرد یافت یسار

(برگ ۲۰۳)

۵-۲-۲- خوابنامه منظوم (خوابنامه حضرت یوسف (ع): در کتاب سرالمستتر که موضوع آن علوم غریبه و جفر است، خوابنامه منظومی دیده می‌شد که به زعم مؤلف کتاب، از شیخ بهایی است:

« تعبیر الرؤیا منظوم از مولانا الشیخ بهاءالدین العاملی از یک نسخه خطی استفاده گردید. » (حاج سقزاده، بی تا: ۱۴۷)

در کتاب «دایرة المعارف خواب و رؤیا» نیز ذیل «شیخ بهایی» ابیاتی از این خوابنامه آمده (امین، ۱۳۸۴، ۲۳) و ذیل «خوابنامه شیخ بهایی: فرهنگ تعبیر خواب» خوابنامه‌ای را به این عارف نسبت داده است. (همان: ۲۰۳-۲۱۲)

در صحت انتساب این خوابنامه به شیخ بهایی جای شبهه وجود دارد؛ چه هیچ یک از منابعی که آثار شیخ بهایی را بر شمرده‌اند، از این منظومه یاد نکرده‌اند. در ثانی، در الذریعه، ذیل مثنوی خوابنامه احتمال داده شده که این منظومه از مشتری طوسی باشد. (آقا بزرگ، بی تا: الجزء التاسع عشر)

عنوانی که در مقاله حاضر برای این خوابنامه برگزیده شده، از فهرست نسخه‌های خطی مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی است. در این فهرست نیز قید شده که مؤلف این خوابنامه ناشناخته است. (منزوی، ۱۳۷۷: ۹۹)

از این خوابنامه نسخه‌هایی با عنوان خوابنامه منظوم و بدون انتساب به شیخ بهایی در کتابخانه‌های کشور از جمله کتابخانه ملک (با عنوان فوائد سعیدیه) کتابخانه ملی و کتابخانه

وزیری یزد و.. نگاهداری می‌شود. وزن این منظومه همان وزن حدیقه و منظومه خرگوشی است و شمار ابیات آن در نسخه‌های مختلف، یکسان نیست. برای آشنایی با این خوابنامه ابیاتی از آن نقل می‌شود:

ابتدا می‌کنم به نام خدا	صانع تحت و فوق، ارض و سما
داور کردگار بی‌مانند	که بود فارغ از زن و فرزند
آب اگر صاف بینی اندر خواب	علمت افزایش و خصال و ثواب
آب اگر تیره و گلی باشد	قرض و تنگی و غافل باشد

۶-۲-۲- فرهنگ تعبیر خواب: فرهنگ تعبیر خواب، خوابنامه‌ای است که صابر کرمانی (حسین حماسیان) از شاعران معاصر سروده و با مقدمه ممتنع سید حسن امین به چاپ رسانده است. نمادهای رؤیا و تعبیرشان در این خوابنامه، بر اساس حروف الفبا است و همین نظم الفبایی نمادها، باعث گزینش عنوان «فرهنگ تعبیر خواب» برای آن شده است.

از ویژگی‌های خوابنامه صابر کرمانی، اشتغال آن بر تعبیر نمادهایی چون اتومبیل، آسانسور، آژیر و... از محصولات دنیای جدید ماست. این خوابنامه در بحر هزج مسدس محذوف سروده شده و زبان آن ساده است. شاعر در خوابگزاری خود از خوابنامه‌های پیشین و از جمله کامل‌التعبیر حبیب‌الله بهره برده است. برای نمونه، تعبیر نماد «ماهی»، نقل می‌شود:

بود ماهی نشان مال و نعمت	رسد از جانب فردی عنایت
اگر ماهی درشت و پاک باشد	ترا سیم وزر و املاک باشد
چو ماهی صید کردی ریز باشد	جدال و فتنه‌ای غم‌خیز باشد

(صابر کرمانی: ۱۳۸۰: ۱۸۱)

ناگفته نماند که خوابگزاری منظوم، علاوه بر صورت مکتوب و کلاسیک خود، در ادب عامه و فولکلور و شفاهی نیز جلوه‌گری دارد. در فرهنگنامه ادبی فارسی آمده است: «در تهران قدیم... خوابگزاری از جمله کارهای معرکه‌گیران دوره‌گرد بود که بیشتر در قالب سؤال و جواب منظوم میان مرشد و بچه مرشد صورت می‌گرفت. مانند:

- مرشد: اگر ماش و نخود آمد به خوابت؟

- بچه مرشد: بود تعبیر آن رنج و عذابت.

- اگر رخت سفید و سبز بودت؟

- بچه مرشد: بدان تا حرمت و عزت فزودت.» (انوشه، ۱۳۸۱: ۵۵۶)

بررسی این جنبه از خوابگزاری در حوصله این مقال نمی‌گنجد و به مجال بیشتری نیاز دارد.

۳- نتیجه‌گیری

ثبت و کتابت معانی رمزهای رؤیا، در زبان فارسی پیشینه‌ای کهن دارد و بر بنیاد خوابنامه‌های موجود می‌توان گفت که تقریباً از سده ششم هـ. ق خوابنامه نویسی فارسی آغاز شده است.

خوابنامه‌های فارسی که در دو قالب نثر و نظم شکل گرفته‌اند مورد بی‌مهری واقع شده‌اند و پژوهشگران کمتر در آنها به پژوهش و کند و کاو پرداخته‌اند. چنانکه دو خوابنامه معتبر فارسی، یعنی کامل‌التعبیر حبیبش تفسیری و تعبیر سلطانی قاضی ابرقوهی تاکنون چاپ انتقادی نشده‌اند؛ در حالی که این دسته از آثار فارسی از جنبه‌های زبانی، ادبی و مردم‌شناختی، شایان توجه‌اند و چه بسا مطالب ارزنده‌ای که در متون دیگر یافت نمی‌شود، در آنها وجود دارد. بنابراین بایسته است، پژوهشگران حوزه‌های زبان و ادب فارسی و عقاید عامه در این دسته از آثار فارسی غور و بررسی کنند.

پی‌نوشتها

۱- تلمود (Talmud) به مجموعه ۳۶ جلدی سنت‌های ربانی که قوانین و مقررات حضرت موسی را شرح و تفسیر می‌کند، اطلاق می‌شود.

منابع

- ۱- ابرقوهی، اسماعیل بن نظام الملک، تعبیر سلطانی، نسخه خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به شماره ۸۳۴ مشکوه و شماره فیلم ۸۸۱۴.
- ۲- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

- ۳- ابن خلکان، شمس‌الدین احمد بن محمد (۱۴۱۷). *وفیات الاعیان*، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- ۴- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶). *الفهرست*، ترجمه و تحقیق محمد رضا تجدد، تهران: امیر کبیر
- ۵- ابی‌الخیر، شهرمدان (۱۳۶۲). *نزهت نامه علایی*، تصحیح فرهنگ جهان پور، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۶- ارطامیدورس (۱۹۶۴) کتاب *تعبیر الرؤیا*، ترجمه حنین بن اسحاق، قدم له توفیق فهد، دمشق، المعهد الفرنسي للدراسات العربیه
- ۷- افشار، ایرج (۱۳۴۲)، «اندر فواید لغوی کامل‌التعبیر»، به اهتمام محمدتقی مایلی، مجموعه مقالات تحقیقی خاورشناسی اهدا به هانری ماسه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸ _____ (۱۳۴۶). *خوابگزاری*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۹ _____ (۱۳۸۵). *فرهنگ ایران زمین*، ج ۶-۵، تهران: سخن.
- ۱۰- امین، سیدحسین (۱۳۸۴) *دایره‌المعارف خواب و رؤیا*، تهران: انتشارات دایره المعارف ایران شناسی
- ۱۱- انوشه، حسن (۱۳۸۱) *فرهنگنامه ادبی فارسی*، ج ۲، چاپ ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۲- بهار، محمدتقی (۱۳۶۹) *سبک شناسی*، ج ۲، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۱۳- بیهقی ابوالفضل (۱۳۷۰)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح غنی و فیاض: انتشارات خواجه.
- ۱۴- تفلیسی، حبیب بن ابراهیم (۱۳۶۹)، *کامل‌التعبیر*، با تصحیح و برگردان سید عبدالله موسوی، قم: انتشارات فؤاد.
- ۱۵ _____ *کامل‌التعبیر*، میکرو فیلم کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. تهیه شده از نسخه خطی شماره ۲۲۶، کتابخانه چلبی عبدالله.
- ۱۶- تهرانی، شیخ آقا بزرگ، (بی تا)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، الجزء الرابع، بیروت: دارالاضواء

- ۱۷- جامی، عبدالرحمن، (۱۳۷۸)، هفت اورنگ، تحقیق و تصحیح اعلاخان افصح زاد، تهران: مرکز مطالعات ایرانی
- ۱۸- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۸۴۲) کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، حرره مع ترجمه الی اللاتینیه غوستاف فلوغل، لندن
- ۱۹- حافظ شیرازی (۱۳۷۴) دیوان، تصحیح قزوینی - غنی، با مجموعه تعلیقات و حواشی علامه محمد قزوینی، به اهتمام ع - جریزه دار، تهران: انتشارات اساطیر
- ۲۰- حماسیان، حسین (صابر کرمانی) (۱۳۸۰)، فرهنگ تعبیر خواب. تهران: نشر شهید سعید محبی
- ۲۱- خاقانی، افضل الدین بدیل بن علی (۱۳۵۷)، دیوان خاقانی شروانی، به کوشش ضیاء الدین سجادی، تهران: انتشارات زوار
- ۲۲- خواند میر، غیاث الدین (بی تا)، حبیب السیر، جلد چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه خیام.
- ۲۳- خیام، عمر بن ابراهیم (۱۳۵۷)، نوروز نامه، به کوشش علی حصوری، تهران: کتابخانه طهوری.
- ۲۴- دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۴۵)، بحر الفوائد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۵- رازی، فخر الدین محمد بن عمر (۱۳۵۴)، التحبیر فی علم التعبیر، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات فرهنگ ایران
- ۲۶- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۱)، یادداشتها و اندیشه ها، تهران: کتابخانه طهوری.
- ۲۷- سقا زاده، (بی تا)، سر المستتر
- ۲۸- سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۷۴)، حدیقه الحقیقه، تصحیح مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۹- شهر ستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۵۰)، الممل و النحل، به تصحیح و تحشیه سید محمد رضا جلالی نائینی، تهران: انتشارات اقبال
- ۳۰- صائب (۱۳۷۸)، دیوان. جلد یک، به اهتمام جهانگیر منصور، انتشارات نگاه

- ۳۱- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، تهران، انتشارات فردوس
- ۳۲- طرسوسی، ابوطاهر محمد بن حسن (۱۳۷۴) داراب نامه، به کوشش ذبیح الله صفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- ۳۳- عطار، فرید الدین (۱۹۴۰)، الهی نامه، تصحیح هـ ریترا، استانبول، مطبعه معارف
- ۳۴- عطار، فرید الدین (۱۳۷۹) تذکرة الاولیاء، به تصحیح محمد استعلامی، تهران: انتشارات زوار
- ۳۵- عطار، فرید الدین (۱۳۸۳) منطق الطیر، محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ۳۶- فروم، اریک (۱۳۸۴)، به نام زندگی، تهران: انتشارات فیروزه
- ۳۷- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۷۹) رساله قشیری، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، ترجمه بدیع الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- ۳۸- کیا، خجسته، (۱۳۷۸)، خواب و پنداره، تهران: نشر مرکز
- ۳۹- منزوی، احمد (۱۳۷۷)، فهرست نسخه‌های خطی مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، تهران: مرکز نشر دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۴۰- یغمایی، حبیب. (۱۳۴۲). ترجمه تفسیر طبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.